

بررسی جریان طالبان جدید



بررسی جریان طالبان جدید

مهدی فرما نیان

اولین سؤالی که همیشه درباره طالبان در چند ماهه گذشته بیان می‌شود، این است که آیا طالبان تغییری کرده است یا خیر؟ جواب این است که هم بله و هم خیر. بنده معتقدم که طالبان مبانی خود را حفظ کرد؛ اما در روش تغییراتی صورت داده‌اند. تغییرات متعددی نیز در روش برخورد و تعامل با دیگر اقوام، مذاهب و کشورها را به وضوح در طالبان جدید شاهد هستیم.

طالبان، با آمریکا وارد مذاکره شد. آن‌ها توافق کردند که آمریکا در سال ۱۴۰۰ از افغانستان بیرون برود و طالبان به جای آن قدرت را در اختیار بگیرند. در این اواخر به جایی رسیده بودند که اشرف غنی را به مذاکرات راه نمی‌دادند. مذاکره میان آمریکا و طالبان به صورت مستقیم برقرار می‌شد و توافقاتی صورت می‌گرفت بدون اینکه حکومت رسمی اشرف غنی را به حساب بیاورند که در این جلسات حداقل

یکی از سه ضلع مذاکرات باشد.

وقتی آمریکا پادگان بگرام را در نزدیکی کابل تخلیه کرد، طالبان از قندهار به سمت کابل حرکت کرد. آمریکایی‌ها فکر می‌کردند که نیروهای امنیتی افغانستان حداقل شش ماه در مقابل طالبان می‌ایستند و آمریکا با خیال راحت، تمام نیروهای خود را منتقل می‌کند. آمریکا نیز می‌تواند در این زمان افرادی که طرفدار خود را مدیریت کند؛ اما اتفاقی که افتاد این است که نیروهای امنیتی افغانستان در مقابل طالبان نایستادند. طالبان درحالی‌که خودش نیز فکرش را نمی‌کرد، با سرعت شهرها را یکی پس از دیگری بدون هیچ مقاومتی تحت کنترل خود در آورد.

آمریکایی‌ها به ۳۰۰ هزار نیروی امنیتی افغانستان، آموزش داده بودند اما اشرف غنی به این افراد کُذ می‌دهد که در مقابل طالبان نایستید، ما نیز هیچ کمکی به شما نمی‌کنیم. نیروهای امنیتی وقتی متوجه بودند که پشت آن‌ها خالی شده و هیچ‌کس قرار نیست حمایتی از این افراد به عمل بیاورد، دست از مقاومت برداشتند؛ بنابراین نیروهای امنیتی به راحتی اسلحه‌های خودشان را تحویل دادند و شهرها را به طالبان تحویل دادند.

طالبان طی اقدامی جالب، فقط فرمانداری یا مراکز امنیتی مانند پاسگاه‌های پلیس را تصرف می‌کرد. دیگر طالبان کاری به شهر و مردم نداشت؛ چرا که طالبان شیوه‌اش را در نحوه رفتار با مردم تغییر داده بود. مردم زندگی عادی خود را می‌کردند و اگر هم فرار می‌کردند، از ترس خودشان فرار می‌کردند.

با این روند، استان‌های مهم به سرعت گرفته شدند. اتفاقی که افتاد این بود که شمال افغانستان قبلاً در دست تاجیک‌ها بود. احمد شاه مسعود که پدر او زمانی در این منطقه مقاومت می‌کرد تفکر دیوبندی نداشتند. طالبان در این ۲۰ سال، کار عجیبی که کردند، رفتند در مناطق تاجیک حوزه‌های علمیه دیوبندیه را راه‌اندازی کردند. به همین دلیل تاجیک طالبانی و دیوبندی فراوانی پیدا شدند. شمال پاکستان نیز به راحتی سقوط کرد، بدون اینکه مانند قبل، آن مقاومت را داشته باشد.

کابل حتی ۲ ساعت نیز مقاومت نکرد. طالبان به راحتی وارد کاخ ریاست جمهوری افغانستان شدند، اشرف غنی نیز فرار کرد. گارد ریاست جمهوری هیچ عکس‌العملی نشان نداد و این چنین طالبان نه برای اینکه موقعیت جدی داشتند یا مردم طرفدار آن‌ها بودند، بلکه به این دلیل که هیچ کسی در مقابل آن‌ها نبود، توانست دوباره به رأس قدرت برگردد.

در اینجا احمد مسعود که در افغانستان نبود، به افغانستان آمد و در دره پنجشیر وارد شد تا مقاومت کند. کل دره پنجشیر ۵۰ کیلومتر است. یک خیابان در کنار رودخانه قرار دارد که دو طرف آن کوه وجود دارد. شیارهایی نیز در دامنه این کوه‌ها است که مردم در این شیارها زندگی می‌کنند. کل مردم پنجشیر ۱۷۲ هزار نفر بیشتر نیستند که البته بیش از ۱۰۰ هزار نفر از آن‌ها موافق مقاومت و مبارزه علیه طالبان نبودند. تعدادی از افغانستانی‌ها طرفدار احمد مسعود شدند؛ بنابراین مقاومت‌های کوچکی صورت گرفت. کمتر از یکی دو هفته، دره پنجشیر نیز شکست خورد و احمد مسعود در این شیارها مخفی شد که پس از آن به تاجیکستان گریخت و در نهایت دفتری در آمریکا تأسیس کرد. او می‌خواست دفتری نیز در ایران تأسیس کند که ایرانی‌ها قبول نکردند. این کل مقاومت افغانستانی‌ها در مقابل طالبان بود.

تغییرات روشی طالبان

طالبان، چند تغییر روشی دادند. یکی، شیوه تعامل با دنیا بود. در دوره قبل سازمان ملل را به حساب نمی‌آوردند و می‌گفتند ما باید به چه دلیل به مصوبات سازمان ملل گوش دهیم؟ اما در تغییر امروز به صراحت می‌گویند که ما می‌خواهیم عضو سازمان ملل شویم، کرسی افغانستان را به ما بدهید و ما هر نوع تعاملی که بخواهید با شما انجام خواهیم داد.

تغییر دوم آن‌ها این بود که به آمریکا گفته‌اند که تا زمانی که در کشور ما هستید، اشغالگرید و وقتی که از کشور ما بروید، اشغالگر نیستید و با شما تعامل خواهیم داشت. طالبان با آمریکا ارتباط دارد، آمریکا هم دارد ناز می‌کند چون آمریکا فکر می‌کرد که با عزت بعد از شش ماه خارج می‌شود؛ اما آمریکا با فضاقت از افغانستان خارج شد. هنوز شش هزار نیروی آمریکایی در افغانستان بود که طالبان دالانی درست کردند و نیروهای آمریکا در این دالان سوار هواپیما شدند و رفتند.

نود هزار نفر از طرفداران و همکاران افغانی که با آمریکا کار می‌کردند، خود آمریکا هواپیما به فرودگاه کابل می‌آوردند و طالبان مدیریت می‌کرد تا سوار هواپیما شوند. آمریکایی‌ها این افراد را در امارات و قطر رها کردند. ۹۰ هزار افغانی رها شده در امارات و قطر حضور دارند که قرار است در پنج شش کشور جنوب خلیج فارس تقسیم شوند. این چنین به نوعی کسانی که با آمریکا بودند الآن مجبور هستند در کشورهای مختلف حضور داشته باشند. اگر آمریکا مجوز بدهد به راحتی کرسی افغانستان را در سازمان ملل به طالبان خواهند داد و تا ۶-۷ ماه دیگر این اتفاق می‌افتد.

نکته دیگر این است که افغانستان قبلاً با کشورهای اطراف خود ارتباط خوبی را نداشتند. الآن گفته‌اند

که ما آن ارتباط را برقرار می‌کنیم. به همین دلیل روسیه، چین، هند، پاکستان، ایران، ترکیه، قطر و... بزودی افغانستان را به رسمیت خواهند شناخت. این کشورها تنها منتظر هستند که ببینند طالبان با مردم خود چه شیوه تعاملی خواهد داشت.

طالبان با شیعیان رفتار خوبی را داشتند. وقتی طالبان وارد کابل شدند، ایام محرم بود، آن‌ها اجازه دادند شیعیان عزاداری‌هایشان را انجام دهند. در حال حاضر شیعیان امنیت دارند و مانند دفعه قبل که با شیعیان تند برخورد کردند، این دفعه برخورد نکردند. امیدواریم ان‌شاءً همین‌طور ادامه پیدا کند. آن‌ها با اقوام و مذاهب دیگر به خوبی برخورد کردند.

طالبان قبلاً نسبت به زن‌ها گفته بودند که خروج زن بدون محرم ممنوع است؛ اما الآن زنان اجازه دارند بدون محرم و با مانتو بیرون بیایند. الآن لازم نیست زنان چادر بپوشند و برقع به صورت بزنند؛ اما باید حجاب اسلامی داشته باشند. البته حتماً باید کاری داشته باشند و بیرون بیایند و غیر از این اجازه خروج از منزل را ندارند.

در بحث آموزش زنان اعلام کردند، آموزش به شرطی است که اساتید زن باشند و ساختمان مجزایی داشته باشند؛ اما فضای افغانستان در حال حاضر فضایی است که الآن نمی‌توانند به این شکل آموزش‌ها را ادامه بدهند؛ چون استاد زیادی ندارند. مقطع فوق لیسانس و دکتری به ندرت در افغانستان وجود دارد. به نظر من این‌ها فرصت‌هایی است که می‌توانیم از آن استفاده کنیم. من حتی پیشنهاد داده بودم دانشگاه‌های ما مانند دانشگاه الزهرا که اساتید خانم دارد، می‌توانند با دانشگاه‌های افغانستان وارد مذاکره شوند و اساتید زن آن دانشگاه‌هایی که الآن در بخش آموزش به مشکل خورده‌اند را تأمین کنند.

در دفعه قبلی طالبان با رادیو، تلویزیون و عکاسی بد بودند ولی الآن هیچ کاری به عکاسی‌ها ندارند. رادیو و تلویزیون کار می‌کند در حالی که قبلاً آن را کنار گذاشته بودند. البته خیلی از رادیو و تلویزیون استفاده می‌کنند؛ اما آن فضای مذهبی و سخنرانی‌های مذهبی را پیش می‌برند. مقداری اناشید یا سرودهای دسته جمعی مردان را بدون موسیقی را نیز اضافه کرده‌اند. آن‌ها با بحث مجسمه‌سازی مقداری کنار می‌آیند و این اتفاقات در حال حاضر رقم خورده است. معتقد هستم که با اسرائیل ارتباط برقرار نخواهند کرد؛ اما آن‌چنان نیز علیه اسرائیل حرف نخواهند زد.

طالبان به دنبال تعامل با کشورهای مختلف هستند. تعدادی از کسانی که از شاگردان بنده بودند در حال

حاضر در افغانستان حضور دارند. آن‌ها می‌گویند که ما امنیت داریم ولی الآن مسأله اقتصاد و بی‌پولی فراوان شده است. طالبان به تازگی اقدام به پرداخت حقوق طالبان کرده است که این باعث می‌شود مقداری فضای اقتصادی بهتر شود؛ چرا که مردم نان نداشتند بخورند؛ زیرا کسی حقوق و پولشان را نمی‌داد و گردش مالی نداشتند.

آینده در دولت فراگیر، جای پای اقوام و مذاهب نخواهند داشت. بعید می‌دانم که طالبان از اقوام و مذاهب دیگری که غیر از طالبان و دیوبندی میدان بدهند. حرف زیاد می‌زنند؛ اما بعید می‌دانم چنین کاری کنند. الآن استاندارانی که معرفی کرده‌اند هشتاد درصد پشتو بوده‌اند و مابقی تاجیک و ازبک بوده‌اند که همه آن‌ها جزو دیوبندی‌ها هستند.

هزاره شیعه را جزو هیچ استانی نگذاشته‌اند. هر روز که پیش برویم با این اتفاقی که در طالبان رقم خورده، طالبان مجبور است با مردم خود همراهی بیشتری کند و فضا را در بعضی جاها بیشتر باز کند؛ چون این حکومت می‌خواهد ادامه پیدا کند. تشخیص من این است که طالبان تا ۲۰-۳۰ سال دیگر در رأس حکومت باقی می‌ماند؛ به این دلیل که هیچ قدرتی، نه در داخل و نه هیچ گروه و قبیله‌ای الآن نه عده و عُدّه‌اش را دارد و نه یاری این را دارد که در مقابل طالبان بایستد، هیچ کشور خارجی نیز در حال حاضر از مخالفان طالبان حمایت نمی‌کند و همه با طالبان وارد مذاکره شده‌اند.

اگر بخواهیم میان طالبان با وهابیت و داعش مقایسه کنیم، طالبان مقلد فقه حنفی هستند. بنا براین براساس فقه حنفی کار خودشان را پیش می‌برند. ما نیز می‌توانیم براساس فقه حنفی وارد تعامل و گفتگو با آن‌ها شویم؛ اما وهابی‌ها و داعشی‌ها قائل به این هستند که تقلید حرام است و ما خودمان باید به سراغ کتاب و سنت برویم و اجتهاد را به دست بیاوریم. به این جهت اختلاف جدی وجود دارد. کاری که الآن طالبان می‌کند، از نظر داعشی‌ها و وهابی‌ها حرام است و کار درستی نیست.

طالبی‌ها ماتریدی اشعری هستند که از نظر وهابی‌ها و داعشی‌ها این تفکر باطل است و جزو فرقه‌های انحرافی به حساب می‌آیند. گرایش‌های صوفیانه در طالبان دارند که وهابی‌ها، همه صوفی‌ها را جزو فرقه‌های انحرافی، بدعت‌گذار و مشرک می‌دانند. در مفهوم عبادت میان طالبانی‌ها، داعشی‌ها و وهابی اشتراک وجود دارد و هر سه این مفهوم را از ابن تیمیه گرفته‌اند؛ اما اختلاف جدی این است که طالبانی‌ها، کسانی را که کارهای شرک‌آلود می‌کنند، مانند استغاثه و نذر را کافر نمی‌دانند، بلکه شرک را شرک خفی می‌دانند؛ اما وهابی‌ها، آن را شرک جلی می‌دانند. به همین دلیل وهابی و داعشی به خود اجازه می‌دهد که مردم را بکشند ولی طالبانی به خود این اجازه را نمی‌دهد که دیگر مسلمان‌ها

را به دلیل استعاثه و نذر بکشد.

طالبان برخی موارد مانند توسل و تبرک را قبول دارد. نشانه‌اش هم این است که وقتی وهابی‌ها و داعشی‌ها هر جایی را گرفتند، قبور را تخریب کردند؛ اما طالبان دوبار افغانستان را گرفت و در هیچ یک از دو مورد، قبرها را که خراب نکردند، بلکه خود به سر قبور رفته‌اند و ما به تعدد شواهد و گزارش‌هایی داریم که این بزرگان طالبان به سر قبر فلان اولیای خدا رفته است و به این قبور احترام گذاشته و حتی فراتر از آن ما متعدد توسل را در میان بزرگان طالبان داریم.

از موارد دیگر اختلافی بین این‌ها نوع نگاه این گروه‌ها به جهاد است. جهاد در طالبان یعنی جهاد با اشغالگر و کافر؛ اما در وهابی و داعشی، جهاد یعنی مقابله با مسلمان. باز فرق وهابی و داعشی در اینجا این است که وهابی می‌گوید شما می‌توانید جهاد کنید به شرط اینکه حاکم بگوید، داعشی می‌گوید که تو می‌توانی جهاد کنی، حتی اگر یک نفر باشید. در اینجا هر ۵ نفر داعشی یک گروه می‌شوند و فعالیت می‌کنند؛ اما وهابی در هیچ کشور، هیچ بمبی منفجر نمی‌کند و عملیات انتحاری انجام نمی‌دهد؛ چرا که یکی از دلایل آن نوع نگاه آن‌ها به جهاد است. وهابی جهاد را با حاکم مسلمان جایز می‌داند؛ اما داعشی برای هر فردی طبق نظریه گرگ تنها، جهاد را جایز می‌داند. آن‌ها می‌گویند که تو مانند یک گرگ تنها همچنان که به یک گله حمله می‌کند و همه را تار و مار می‌کند، تو هم به این صورت به همه حمله کن و آن‌ها را تار و مار کن.

داعشی شیعه را دشمن اصلی خود می‌داند و می‌خواهد همه آن‌ها را بکشد. داعش شیعه را کافر به کفر اکبر می‌داند؛ اما وهابی همه مسلمان‌هایی که کارهای شرک‌آلود را می‌کنند را دشمن خود می‌داند. طالبان با مسلمان‌های دیگر کاری ندارد و فقط به شیعه نگاه تندی دارد و گرنه شیعه را نیز تکفیر نمی‌کند و شاید بعضی از طالبانی‌ها قائل به تکفیر شیعه باشند.

فقط در یک زمینه میان طالبان، داعش و وهابی‌ها اشتراک وجود دارد و در ۵ زمینه اختلاف است. در فقه، اعتقاد، تصوف، جهاد و تکفیر اختلاف وجود دارد و ما نباید این‌ها را یکسان کنیم و طالبان را مانند بقیه بدانیم. فقط این را می‌دانیم که طالبان به دلیل رویکرد تندی که علمای دیوبندی نسبت به شیعه داشتند، نسبت به شیعه تند و افراطی هستند؛ نه نسبت به دیگر مسلمان‌ها.

اما از آن جهت که طالبان پشتو هستند یک نگاه تندی به اقوام دیگر افغانی مثل تاجیک و ازبک دارند. زنان در سنت پشتونوالی جایگاهی ندارند. زنان ارث نمی‌برند. این نگاه پشتونوالی الآن خودش را در

حکومت طالبان نیز نشان می‌دهد. طالبان برای زن‌ها ارزشی قائل نیستند؛ اما بنده معتقد هستم که همه این نگاه‌ها تغییر می‌کند. با توجه به این که احتمالاً طالبان تا ۲۰-۳۰ سال آینده در افغانستان حضور خواهند داشت، ما باید پیوست‌های فرهنگی‌مان را در مناطق فارسی‌زبان گسترش بدهیم.

پیوست‌های اقتصادی که تا به حال با افغانی‌ها بوده را ادامه بدهیم، بلکه ده‌ها پیوست دیگر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی را هم اضافه کنیم تا بتوانیم از این طرح‌ریزی به وجود آمده برای آینده شیعیان افغانستان و فارسی‌زبانان آن و همچنین کل افغانی‌ها و ارتباطات و تعاملات که بین هم داریم به یک فرصت طلایی برسیم.

برخی از طلاب افغانی شیعه در جامعه المصطفی، پشتو هستند؛ اما درباره اینکه طالبان چه فکری می‌کنند یا درباره دیوبندی کاری نکرده‌اند. از آن طرف عده‌ای را داریم که دیوبندیه کار کرده‌اند؛ اما زبان پشتو بلد نیستند. منابع ما از زبان طالبان بسیار اندک است.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی فکرت <https://net.fekrat/>